

# کچوک درم و نرگزرب (۱)

○ شیدا رنجبر

رولدال  
لاکپشت



تصویرگر  
کوانتین بلیک

ترجمه  
گیتاگرگانی

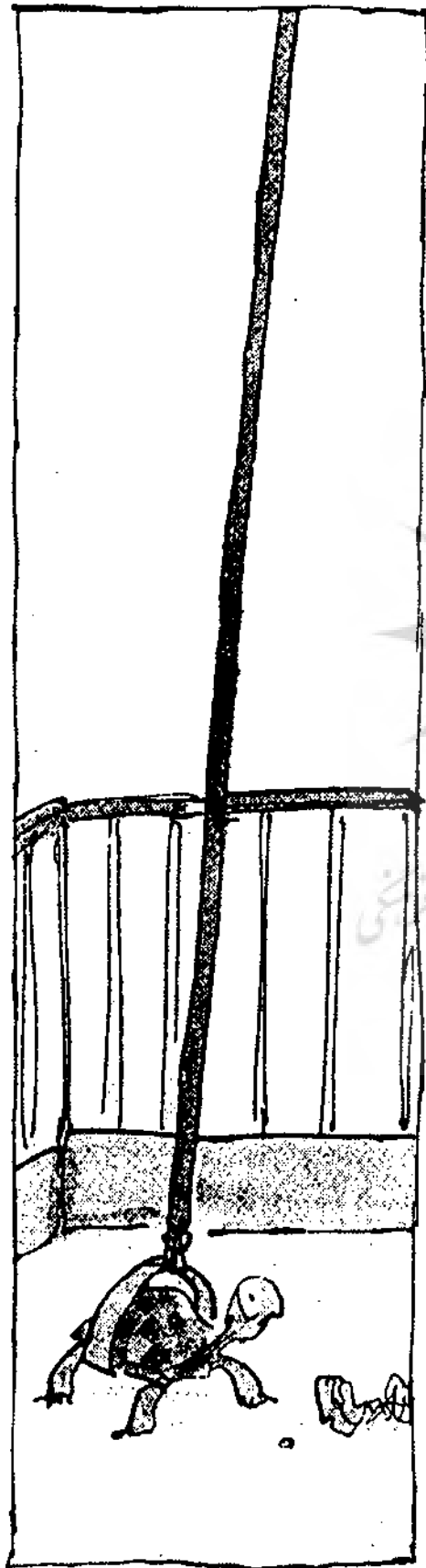
عنوان کتاب: لاکپشت  
نویسنده: رولدال  
مترجم: گیتاگرگانی  
تصویرگر: کوانتین بلیک  
ناشر: چشمه، کتاب و نوشه  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۶۶ صفحه  
بها: ۳۰۰ تومان

شگفتی‌های «رولدال» آشنا شدیم. شگفتی کتاب «لاکپشت» رولدال، در این است که گرچه در آن نه کودکی وجود دارد و نه ماجرای آن دغدغه فکری کودکان است، اما کتاب، کتاب کودکان است. رولدال، بامهارت تمام، بزرگسالانی آفریده با شخصیتی کودکانه و کودکانی با کالبدی بزرگسالانه. اما خوانندگان کتاب‌های دال را با کالبدها چه کار؟ این کنش‌هاست که آنها بر اساس آن، شخصیت‌ها را ارزیابی و قضاوت می‌کنند. هر کس که عاشق گل و حیوان باشد، هر کس که آرزوی دیرینه آنها، یعنی بزرگ شدن را دریابد (ص ۲۰) و هر کس که با قوانین بازی‌های کودکانه آشنا باشد، از آنهاست و لایق دوستی و شایسته ورود به دنیای‌شان.

طرح کتاب ساده است. دو نفر می‌خواهند با هم همبازی شوند، اما هیچ کدام جسارت شروع بازی را ندارد. تا این که پسرک شیطان داستان ما، یعنی آقای هوپی، میانسال باز نشسته، از آن جا که رسالت تمامی پسرک‌های شیطان را بر دوش می‌کشد (۱)، ابتکار عمل را در دست

آقای «هوپی» عاشق همسایه‌اش خانم «سیلور» است. اما فکر و ذکر خانم سیلور، لاکپشتش «آلفی» است و این که کی او بزرگتر می‌شود. آقای هوپی، از این موقعیت استفاده می‌کند و بیش از صد لاکپشت که هر کدام کمی از دیگری بزرگتر است می‌خرد و مدام آنها را اول با آلفی و بعد با یکدیگر عوض می‌کند. خانم سیلور که فکر می‌کند بزرگ شدن آلفی، به سبب وردی است که آقای هوپی به او یاد داده، خود را مدیون او می‌داند و به پیشنهاد ازدواج آقای هوپی جواب مثبت می‌دهد؛ با توجه به این که خود نیز در دل، انتظار این پیشنهاد را می‌کشیده است. آقای هوپی همه لاکپشت‌ها، به جز آن یکی را که خانم سیلور فکر می‌کند آلفی است، به مغازه‌ای می‌دهد. آلفی را هم دخترکی می‌خرد و سال‌ها، حتی بعد از ازدواج و بچه دار شدنش، نزد خود نگه می‌دارد. در این سال‌ها، بالاخره آلفی به وزن دلخواه خانم سیلور می‌رسد.

بار دیگر، به همت خانم گرگانی، با یکی دیگر از



## شگفتی کتاب «لاک پشت» رولدال

در این است که گرچه  
در آن نه کودکی وجود دارد  
و نه ماجرای آن  
دغدغه فکری کودکان است  
اما کتاب، کتاب کودکان است.  
رولدال، با مهارت تمام  
بزرگسالانی آفریده با شخصیتی کودکانه  
و کودکانی با کالبدی بزرگسالانه

دال، با وجودی که  
طرح ساده‌ای را دستمایه کارش  
قرار داده

اما روان پیچیده بچه‌ها را دستکاری می‌کند



در مورد ترجمه می‌توان گفت که ترجمه روان و یک دست است. به جز چند مورد کوچک «در ص ۹ آمده است» پس از بارنشسته شدن از کارش از همیشه تنهاتر بود. در این جمله، با حذف دو کلمه «از کارش» هم به جمله زیبایی از لحاظ جمله‌بندی دست پیدا می‌کنیم و هم جمله صحیح‌تر است؛ چرا که همیشه «از کار» باز نشسته می‌شویم و نه چیز دیگر. پس لزومی ندارد به آن اشاره شود. جمله‌نهایی می‌تواند این باشد «پس از بازنشسته شدن، از همیشه تنهاتر بود.»  
در ص ۲۰ آمده است که «... آلفی اگر آنها را می‌دید، از ناراحتی سبز می‌شد.»

در زبان انگلیسی، از صفت green و یا «سبز» در مقابل احساس حسادت استفاده می‌شود. پس در واقع، آلفی از حسادت سبز می‌شود که البته، این در فارسی رسانیست و در زبان فارسی، ما از حسادت می‌ترسیم (و یا کور می‌شویم)، نه این که سبز می‌شویم.

در ص ۲۴ مترجم از کلمه «واپس‌گرا» در جمله «لاک‌پشت‌ها به شدت واپس‌گرا هستند» استفاده کرده است. مترجم می‌توانست به شیوه خودش، این کلمه را برای خوانندگان جوانش بیشتر باز کند تا درک بهتری از آن داشته باشند.

عنوان اصلی کتاب «Esiotrot» یا «پشت کال» است که به روال زبان لاک‌پشتی که در کتاب آمده، نوشته شده است؛ یعنی برعکس همان «tortoise» یا «لاک‌پشت» نویسنده، با طنزی ظریف و زیرکانه (که جزئی از سبک خاص اوست)، قسمتی از بار متن را به دوش عنوان آن گذاشته است. متأسفانه، در اینجا مترجم آن را نادیده گرفته است.

### و اما کیفیت ارائه کتاب

مانند دیگر کتاب‌های نوجوان «دال»، این بار نیز تصویرگر او کوانتین بلیک است. تصویرهای او جزء لاینفک متن هستند. نشاط و سرزندگی و عشق به زندگی، در هر سه شخصیت کتاب کاملاً مشهود است که این خود، روح تازه‌ای به حیات کودکانه کتاب بخشیده است. در این بین، بد نیست به صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی دقیق و قابل تقدیر نشرچشمه هم اشاره کرد.

اما در متن ص ۲۰ آمده است که: «... هر دو به هم نگاه کردند» که در تصویر، این طور نیست و در آغوش کشیدن خانم سیلور و آقای هویی را نشان می‌دهد. شاید بهتر بود در چنین شرایط خاصی، ترجیحاً تصویر حذف می‌شد تا این که تشمت ایجاد کند.

می‌گیرد. بازی کودکانه آنها با تمام شیطنت‌هایش آغاز می‌شود. آقای هویی، در این بازی قلب می‌کند، اما رولدال که از خواننده‌ها و شخصیت‌هایش، انتظار ندارد معصوم‌وار مرتکب گناه نشوند و معتقد است آدم بد باید بد ببیند و در عوض، آدم خوب مستحق پاداش است، عمل را با هدف توجیه می‌کند و بازی را به سرانجام خوشی می‌رساند.

دال، با وجودی که طرح ساده‌ای را دستمایه کارش قرار داده، اما روان پیچیده بچه‌ها را دستکاری می‌کند، او زندگی مشترک صمیمی، گرم و عاشقانه‌ای را در تخیل آنها به تصویر می‌کشد که کودکان احتمالی آن، مانند لاک‌پشت داستان، با احساسی از امنیت و آرامش، در کانون گرم آن «زندگی» خواهند کرد. و چه چیزی بیشتر از متعلق بودن به خانه‌ای با پدر و مادری که هنوز کودک درون آنها زنده است، می‌تواند برای یک کودک دلپذیرتر باشد؟

بی‌شک آقای هویی و خانم سیلور، هر دو در کودکی، از خوانندگان کتاب‌های دال بوده‌اند. دنیایی که آنها برای خود ساخته‌اند، سرشار از باورها و معیارهای کودکانه است. اما از آن جا که هیچ کس دوست ندارد کوچک بماند، بالاخره باید راهی برای بزرگ شدن پیدا کرد. طلسم رهایی آنها از دنیای کودکانه‌شان، همان وردی است که برای بزرگ شدن لاک‌پشت می‌خوانند. اما کارایی این ورد، تنها روی اندازه کالبدهاست و کودک درون، در اندازه پیشین، همچنان زنده و پرتحرک باقی می‌ماند.

کودکان قصه ما، بازی جدید و پر هیجان دیگری را در لوای زندگی زناشویی‌شان و با فرزند خواننده‌دلبنده‌شان، لاک‌پشت آغاز می‌کنند. اما حال که به یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک، یعنی احساس مورد حمایت و محبت واقع شدن بی‌توجه نیست، بچه‌هایش را در این دنیای بی‌درویکر، بدون حامی نمی‌گذارد و هیچ وقت شخصیت‌هایش را بی سرانجام و تنها رها نمی‌کند.

لاک‌پشت قصه ما هم بی‌سرپناه نمی‌ماند. او در خانه امن دیگری و برای سالیان سال، مورد نوازش و محبت قرار می‌گیرد و دنیای کودکان دیگری را از خنده‌های سرشار از احساس خوشی و خوشبختی، پر می‌کند.

### پانویس:

۱- بزرگ زن و مرد کوچک

